

## تأثیر اندیشه مهدویت بر تشکیل حکومت شیعی ملی صفوی (دوره شاه اسماعیل اول)

لیلا شریفیان<sup>۱</sup>  
محسن حیدرنیا<sup>۲</sup>  
محمد کلهر<sup>۳</sup>

### چکیده

حکومت شیعی برای اولین بار بعد از قرن‌ها حضور مذهب تسنن در ایران، به صورت رسمی در زمان حکومت شاه اسماعیل اول تشکیل شد. این موضوع از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته شده است؛ اما یکی از مسائل خاصی که در این پژوهش بدان پاسخ داده شده است؛ چگونگی بهره‌برداری از باور اندیشه مهدویت، به عنوان یکی از علل اصلی مشارکت و وحدت ملی مردم و اعلام مذهب شیعه به عنوان رهاورد حکومت شاه اسماعیل اول است. در این پژوهش، سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقاله‌های مرتبط و به روش «توصیفی - تحلیلی» با رویکردی متفاوت، یافته‌های جدیدی از بازتاب اندیشه مهدویت در بخش ساختار حکومت که با تحریفات و تفسیرهای متفاوتی از اصل اندیشه مهدویت، ترویج قریب‌الوقوع بودن ظهور منجی و نیابت شاه اسماعیل اول از جانب امام غایب همراه بود؛ آسیب‌شناسی شود. این یافته‌ها سبب مشروعیت و مقبولیت حکومت وی گردید.

**واژگان کلیدی:** اندیشه مهدویت، حکومت صفوی، شیعی ملی، شاه اسماعیل اول.

۱. دانشجوی دکتری الهیات تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد یادگار امام خمینی، تهران، ایران  
leila.sharifiyan99@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد یادگار امام خمینی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
mo.heydarnia42@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد یادگار امام خمینی، تهران، ایران  
kalthor.mohammad72@gmail.com

## مقدمه

در اندیشه منجی‌گرایی، آغاز حکومت مهدوی، پایان دوران ظلم بر مستضعفان است. در حکومت اسلامی، تعیین راهبردها و وظیفه حاکم، به عنوان جانشین خداوند در زمین قانون‌گذاری سیاست‌گذاری، اجرا، قضاوت و برقراری نظم و امنیت است تا جامعه‌ای انسانی با ویژگی‌های اخلاق الهی گسترش یابد. پیشینه این تفکر با تأثیرپذیری از باور به عدالت اجتماعی در پرتو اعتقاد به ظهور منجی و اندیشه مهدویت در ایران به قرن‌های نخستین هجری باز می‌گردد؛ هرچند گسترش و فراگیر شدن آن در میان ایرانیان، امری تدریجی بوده است و تحت تأثیر عوامل گوناگونی چون صدمات ناشی از حمله اقوام مهاجم، خشونت و ظلم ناشی از ستمگری حاکمان و انحرافات آموزه‌های صوفی مآبانه قرار داشت؛ اما به اعتقاد بسیاری، یکی از دوره‌های تأثیرگذار پس از قرن‌ها پایان بخشیدن به حاکمیت مذهب تسنن، زمان حکومت شاه اسماعیل اول است. بارزترین ویژگی بنیان‌گذار حکومت صفوی شاه اسماعیل اول که وی را از دیگران مشخص می‌کرد، اعتقاد به اندیشه مهدویت در جهت ترویج تفکر شیعی بود. با گسترش و سرعت گرفتن فعالیت‌های تبشیری و تپذیری وی در این حوزه و با رسمیت یافتن حکومت شیعه صفوی در دوران شاه اسماعیل اول در ایران پس از قرن‌ها، یکپارچگی مذهبی شیعه با تحقق اندیشه مهدوی دارای هویت جدیدی شد که ضمن رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع برای نخستین بار، رویکرد جدیدی را با ارائه دیدگاه‌های اعتقادی و متفاوت نسبت به مهدی باوری تعیین کرد. البته گاهی باور به مبانی اندیشه مهدویت، تحت تأثیر اندیشه حاکم قرار گرفت و دچار تغییر و تحریف شد. سازکار حکومت در این دوره بر برخی قواعد و سنت‌های الهی مبتنی بود که تداوم آن در برخی از موارد با راهبرد اندیشه نیابت از جانب منجی غایب و همراهی علمای شیعه همراه است. پاسخ به چگونگی سیر تحول این اندیشه با توجه به تأثیر جریان ملی و مذهبی شیعه و زمینه سازی منجی‌گرایی، بخشی از اجزای مهم ساختار حکومت صفوی در دوران شاه اسماعیل اول است که نظام طبقه بندی آن شکلی از تمایزات اجتماعی و سیاسی را بین گروه‌های مردم و طبقه حاکم تدارک دید؛ ضمن



آن‌که پژوهش‌هایی نظیر «بازشناسی اندیشه مهدویت در عصر صفویه»، نوشته زهرا عابدی و شهناز کریم‌زاده به بررسی ابعاد مختصر و اجمالی تولیدات علمی در دو قشر از علمای دینی شیعه، یعنی محدثان و متکلمان پرداخته است و رویکردی اختصاصی به دوره شاه اسماعیل اول ندارد و به عنوان یک منبع شناسی کلی در سراسر دوره صفوی مطرح است. مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی نظریه‌های ادعای مهدویت شاه اسماعیل اول صفوی»، نوشته سعید نجفی نژاد؛ به بررسی اصل یا عدم ادعای مهدویت از سوی شاه اسماعیل پرداخته و معتقد است که ابراز نظر توسط محققان و خصوصاً صفویه شناسان غربی به دلیل عدم شناخت کافی نسبت به مذهب تشیع، تصوف و ظرافت‌های موجود در اشعار و ادبیات فارسی و ترکی است. تالیف دیگری با عنوان «نگرشی به مهدویت در عصر صفویان»، نوشته محمدجواد صداقت، پس از معرفی دوره صفویه، به صورت کلی به تبیین آموزه‌های مهدویت در تشیع و مطالب مربوط به آن و طرح مسائلی پرداخته است، مانند باز اندیشی عقاید فقهی در زمینه اموری چون نماز جمعه، اجرای حدود و پرداخت خراج در دوران مختلف دوره صفوی و تاثیراتی که مردم ایران با پذیرش مذهب رسمی تشیع در جامعه توسط دو نهاد حکومت و مذهب در دوره صفوی دریافت کردند. تفاوت پژوهش حاضر به طور اختصاصی با پژوهش مذکور، پاسخ به چگونگی و سیر تغییر تحولی تاثیر اندیشه مهدویت در تشکیل حکومت شیعی ملی صفوی به طور اختصاصی، با توجه به لزوم ترویج اندیشه شناخت امام عصر و وسعت نفوذ پیروی از آن، به عنوان الگویی برای سیاست‌گذاری مناسب و شکل‌گیری جریان ملی و رسمی مذهب شیعه با توجه به نفوذ سریع و قوی در بدو تشکیل حکومت صفوی در زمان حکومت شاه اسماعیل اول بود که تاثیر آن بر دوره‌های بعد نیز باقی ماند. لذا در این پژوهش سعی شده است با نگرشی متفاوت به بررسی پیامدهای موارد ذکر شده، پرداخته شود.

### ۱. سیر اندیشه مهدویت در دوران حکومت شاه اسماعیل اول صفوی

در اندیشه اسلامی حق حاکمیت در اصل از آن خدا است؛ زیرا او مالک هستی است؛ چنان‌که در قرآن به روشنی بدان پرداخته شده است: «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۰۷). پس هرگز معقول نیست خداوند برای ابد شریعتی را پایه‌گذاری کند؛



ولی برای سرپرستی و رهبری آن که ضامن بقای شریعت است، طرحی نریزد (سبحانی، ۱۳۸۹: ص ۳۲۵). لذا خداوند حاکمانی را از جنس خودشان برای هدایت و نیک فرجامی جوامع قرار داده که ویژگی‌های برتری نسبت به سایر افراد دارند. این اندیشه در پیشینه تاریخی مسلمانان، به ویژه شیعیان ریشه دارد. سیر اندیشه مهدویت در دوران اسلامی جامعه ایران، یکی از ارکان اصلی هویت بخشی و ایجاد امید برای برپایی حکومت عدل گستر مهدوی است که در سایه اعتقاد و اعتماد به انتظار تحقق می‌یابد. «انتظار» در معنای اصطلاحی نزد شیعه، عبارت است از ایمان استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و امید به ظهور حتمی و افسین حجت الاهی و آغاز حکومت صالحان (تونه‌ای، ۱۳۸۵: ص ۱۲۷). در قرآن نیز به طور صریح به این اصل گفتمان تربیتی، تبلیغی و تشریح ادبیات مهدویت در طول تاریخ پرداخته شده است. اندیشه مهدویت و انتظار ظهور، یکی از بزرگ‌ترین عوامل پایداری، استقامت و مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت است. انتظار مسلمانان، به ویژه شیعیان را در برابر ظلم‌ها، فسادها، زورگویی‌ها و انواع بلاها و سختی‌ها ثابت و پابرجا نگه می‌دارد و به آنان دل و جرات می‌دهد تا در برابر تهدیدها، تطمیع‌ها و سخت‌گیری‌های دشمنان اسلام خود را نوازند و از هیچ چیز و هیچ کس نهراسند (کارگر، ۱۳۹۰: ص ۲۱۴). ظلم ستیزی یکی از ظرفیت‌ها در برابر جریان فکری حاکم در طول تاریخ مسلمانان بوده است و بهانه‌ای برای مقابله با مصلحت اندیشی نفوذ قدرت‌ها که برای عموم مردم جذابیت داشت. یکی از ظرفیت‌های تفکر مهدوی که خاستگاه شیعی داشت، استفاده از واقعه عاشورا در جهت برپایی حاکمیت دینی بود تا جایی که به برپایی حکومت عدل گستر مهدوی منجر شود و گاهی این معنا از کلام معصوم استخراج می‌شود؛ چنان‌که امام حسین علیه السلام در این باره فرمودند:

«خداایا! تو می‌دانی که ما برای بازگرداندن نشانه‌های دین تو در جامعه قیام کرده‌ایم» (ابن شعبه، ۱۳۷۷: ص ۲۶۴).

همین امر بر سرنوشت مردم ایران در برهه‌های گوناگون تاریخ تاثیر داشته است. علاوه آن‌که ایران پیوسته در دوران مختلف تاریخ مورد تهاجم قوم‌های مختلفی قرار گرفته است و از آن جهت که اقوام قبل از آن‌که از حیث فرهنگی و اخلاقی به بحران و گسست مبتلا شوند، در عرصه تفکر دچار بحران می‌شوند (شیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ص ۳۸)؛ نوعی سردرگمی و تشتت و تفرق

را سبب شده است؛ لذا مسئله ایمان به ظهور، نجات بخش بزرگ، برای مرهم نهادن بر زخم‌های جانکاه بشر در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب وجود دارد؛ اما در پاره‌ای از مذاهب همچون اسلام شیعی بر آن تاکید بیش‌تری شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ص ۵۱). یکی از دوره‌های مهم تاریخی که با بهره‌گیری از اندیشه مهدوی جان تازه‌ای در کالبد معنوی و مادی مردم سرزمین ایران دمید، حکومت صفوی بود. صوفیه با مسلک و اعتقادات صوفیانه به قدرت رسید. صوفیه مثل بسیاری از فرقه‌ها و طوایف دیگر هر جا ظواهر و نصوص شریعت را با عقاید مقبول خویش معارض یا مباین می‌دید، به تاویل آن دست می‌زد (زرین کوب، ۱۳۵۳: ص ۱۲). تصوفی که تا حدودی مشکلات اعتقادی و شرعی در آن وجود داشت و زمینه‌های تحریف سیر اندیشه مهدویت را در این دوره فراهم آورد. القای مشروعیت حاکمیت، تبلیغ احادیث مربوط به علائم ظهور و تطبیق با شرایط آن زمان ظرفیت مناسبی برای جذب مردم فراهم آورد. شروع این جریان با حکومت شاه اسماعیل اول، به عنوان اولین پادشاه حکومت صفوی مقارن بود. ولادت شاه اسماعیل روز شنبه سال ۸۹۲ هجری بود و جلوس سلطنت در سیزده سالگی در سال ۹۰۵ هجری بود بعد از یکصد و هفتاد سال از رحلت شیخ صفی و پادشاهی او بیست و پنج سال و رحلت وی در تاریخ ۹۳۰ هجری بود (پیرزاده و زاهدی، ۱۳۹۵: ص ۶۷). شاه اسماعیل دوران کودکی خود را در حالی طی کرد که نقش اجتماعی اندیشه مهدویت و نیابت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک در دوران غیبت به منظور ایجاد وحدت و هم‌گرایی یکی از مسائل مهم آن روزگار بود و همین امر موجب شد اسماعیل کم سن و سال بر اثر رفتار مریدانش باورش شود که یک ذات قدسی، آسمانی و خداگونه و مافوق بشری است. او تحت تاثیر سخنان مادرش و تحت تلقین شبانه روزی خلیفه‌های تاتار باور کرده بود که پدر و جدش ذات‌های مقدسی بوده‌اند که به دست دشمنان سنی مذهبشان که تقدس آن‌ها را باور نمی‌کرد و دین و ایمانی نداشته‌اند؛ به قتل رسیده‌اند (خنجی، بی‌تا: ص ۵۴). اسماعیل، پسر کوچک شیخ حیدر بعد از سال‌ها توارگی در گیلان با کمک صوفیان و مریدان خویش، نهضت صفوی را به ثمر رسانید. وی حتی قبل از سیزده سالگی در نظر مریدان مرشد کامل تلقی می‌شد و لذا چنان محبوبیتی نزد اتباع خویش داشت که گویی در نزد آن‌ها تجسم الوهیت تلقی می‌شد. خود او هم در اشعاری با تخلص «ختایی» خویشتن را عین الله، فاعل مطلق و شایسته سجود می‌خواند. در صحت



انتساب این اشعار به وی تردید شده است؛ لکن صحت انتساب این دعاوی را نفی نمی‌کند (زرین کوب، ۱۳۸۰: ص ۷۵).

تقدس نمایی، غلو و نزدیک بودن ظهور و تاثیر پذیری از این گونه اندیشه‌ها در زمان حکومت شاه اسماعیل اول نشان از آن دارد که به‌رغم تحول در اندیشه مهدی‌گرایی و پر و بال دادن به اندیشه‌های شیعی و مداخله علما در شکل دادن به این اندیشه، محیط، همچنان مستعد پرورش این قبیل انگاره‌ها است (خلیلی، ۱۳۹۲: ص ۲۲۰). همین امر سبب شد با آغاز حکومت شاه اسماعیل اول، سیر اندیشه مهدویت با دوره‌های قبل تفاوت بارزی داشته باشد. رؤیت امام زمان به وسیله شاه اسماعیل و بستن کمر او توسط ایشان و اعطای شمشیر به او، از جمله این موارد است (ترکمان، ۱۳۶۴: ص ۴۱).

شاه عالمیان شاهزاده جهانیان (اسماعیل میرزا) را اعزاز و احترام زیاده از حد و مقام نموده، چه شاه جم‌جاه شاهزاده را نذر حضرت صاحب‌الزمان فرموده بودند و سلوک با ایشان از روی آن به ادب می‌فرموده پدر فرزند و پادشاهی منظور نبود (قمی، ۱۳۵۹: ص ۳۸۶).

وضعیت جامعه آن روز، حاکی از میل به اعتقاد پایه‌گذاری حکومت صفوی به عنوان زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف منشا مشروعیت بخشی حکومت صفوی به‌ویژه در دوران حکومت شاه اسماعیل اول و واگذاری و اتصال حکومت به صاحب‌الامر بود؛ چنان‌که در پاسخ شاه اسماعیل به نامه شیبک خان ازبک به این موضوع اشاره می‌شود:

«بحمدالله چون در این ولایت موجب لکل اناس دولة و دولتنا فی آخرالزمان، از چمن دلگشای خاندان نبوت و ولایت، نهال بلند سر به سرافرازی کشید» (حسینی، ۱۳۷۹: ص ۴۱). هرچند قبل از ورود صفویان به حکومت، اعتقاد غالبانه مهدویت در جامعه وجود داشت؛ با پیروزی شرایط مطلوب برای مقابله با مهدویت دروغین فراهم شد. سلاطین صفویه برای کسب مشروعیت به گفتمان پرداختند. مهدویت غالبانه شکل گرفت و این عقیده در مقابل مهدویت امامیه قرار گرفت. آن‌ها مردم ایران را با خود جزم می‌کردند؛ در حالی که فقها به نیابت از سوی امام عجل‌الله‌تعالی معتقد بودند (عابدی، ۱۳۹۹: ص ۷۱).

شاه اسماعیل در جهت ترویج اندیشه مهدویت و مشروعیت خاندان صفوی در نسبت فامیلی



به حضرت علی علیه السلام، برای ادامه پیروی از تفکر سیاست اثنا عشری و تقویت و تثبیت وضع موجود اقداماتی صورت داد؛ از جمله ساختن عمارتی برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود؛ چنان که در عالم آرای صفوی آمده است:

به امر مرشد قرق کردند از در قلعه تبرک تا در باغ، کف دولت خانه آن حضرت شده بود، آن وقت باغ بود. آن حضرت عمارت فرمود. امرا پرسیدند که ای شهریار! پایتخت شما تبریز خواهد بود؟ در جواب فرمود که این عمارت را از برای حضرت صاحب الامر ساخته‌ام (بی نام، ۱۳۶۳: ص ۱۷۴).

حتی بر خود اسماعیل مشتبه شده بود که او از طرف حضرت صاحب الزمان به عنوان نایب آن حضرت انتخاب شده و بر این اساس، در تمام امور موفق و پیروز خواهد شد (عبادی، ۱۳۹۴: ص ۱۶۵). هر چند باور و اندیشه مهدویت، به عنوان مبنای اصلی گذر از تمامی تنگناها و فتنه‌ها در زمان غیبت محسوب و با شروع حکومت شاه اسماعیل اول، شناخت موضوعات و مسائل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پرداختن به این اندیشه متناسب با نیازهای آن زمان گسترش یافت و چارچوب‌های معینی به عنوان باور اندیشه مهدوی و انتظار به عنوان حقیقتی مسجل مطرح شد؛ اما در این کارزار در برخی از موارد ستم‌گری‌ها و ویرانی‌هایی صورت گرفت که با فراز و فرودهای دوران حکومت شاه اسماعیل اول همراه و باعث دوری مسلمانان از اسلام و معنای حقیقی اندیشه و اعتقاد به مهدویت شد.

## ۲. تاثیر جریان ملی و مذهبی شیعه بر تحول اندیشه مهدویت در دوران شاه اسماعیل اول

در کنار جریان ملی‌گرایی، مذهب بر فرهنگ و رفتار مردم تاثیر بسیاری می‌گذارد و این مسئله، خود گاهی گروه‌های مذهبی را به وجود می‌آورد؛ به ویژه این که اگر گروه‌های مذهبی با گروه‌های قومی هم زبان عجین شوند، آن‌گاه با زبان خاص خود، چالش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را دامن می‌زنند (سازگارا، ۱۳۸۸: ص ۲۵). لذا لازم است دو مقوله «ملی» و «شیعه» تبیین شوند. «ملی» در اغلب فرهنگ نامه‌ها توانگر و توانا معنا شده است. ملی منسوب به ملت و نتیجه آنچه در ید و اختیار ملت است، می‌باشد (عمید، ۱۳۷۶: ص ۱۸۴۹). «شیعه» یکی از فرقه‌های معتقد به امامت حضرت علی علیه السلام و یازده تن از فرزندان او هستند (انوری،



۱۳۸۱: ص ۴۶۵۸). چگونگی روند جریان ملی و مذهبی در دوران شاه اسماعیل اول با توجه به تأثیری که بر تحول اندیشه مهدویت دارد؛ دارای ابعاد مختلفی است و از جمله این مولفه‌ها، موقعیت ژئوپولیتیک ایران در طول تاریخ است که همیشه در انتظار رویارویی و برخورد و کشمکش بوده است. شکست‌های نظامی متوالی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی، تسلط اقوام غیر ایرانی بر ایران و مهاجرت شمار زیادی از مردمان سایر اقوام به این سرزمین، بسیاری از معادلات مربوط به عناصر هویتی را در هم ریخته است که بر حسب تسلط برخی از نژادهای بیرونی به مرور حکم درونی پیدا کردند و در هویت ایرانی جذب شدند (بی‌نام، گروه تحقیقات سیاسی اسلام، ۱۳۸۱: ص ۸). علاوه بر آن، ملی‌گرایی یکی از ارکان اصلی هویت بخشی در ایران محسوب می‌شود که به عنوان یک نیروی قوی انگیزشی به منظور وحدت مردم در دوران شاه اسماعیل اول محسوب می‌شد. مذهب تشیع، طی ادوار مختلف تاریخ ایران پس از اسلام فراز و فرودهای بسیاری داشته است. پیشینه تشیع در ایران، به اوایل ورود اسلام به ایران باز می‌گردد؛ اما گسترش آن در بین ایرانیان به مرور زمان صورت گرفت. سیر تفکر شیعه همراه با برپایی حکومتی واحد ملی بدون حضور و تسلط بیگانگان، در سلسله‌های محلی چون آل بویه، علویان طبرستان، آل کرت و به ویژه سرداران ریشه داشت. مقدمات این جریان در تغییر مذهب تسنن از دوره تیموری به مذهب شیعه اثنا عشری در دوره صفوی فراهم شد. صوفیان اردبیلی در مدت فعالیت دویست ساله خود با رهبری و هدایت مرشدان دنیا گریز آگاهانه یا تصادفی زمینه قدرت یابی خاندان صفوی را آماده کرد. درویش‌های صفوی با تکیه بر ایدئولوژی شیعه در حکومت و به کار گرفتن قدرت نظامی مریدان خود که به «قزلباش» معروف شدند، توانستند اولین حکومت یکپارچه پس از اسلام را در ایران به وجود آورند (اسمیت، ۱۳۸۶: ص ۱۵۷). تا دوره حکومت شاه اسماعیل اول شیوخ و مرشدهای صوفیه، پادشاهانی بی‌تاج و تخت بودند که حکام به سختی از نفوذ آن‌ها می‌ترسیدند (بی‌نام، گروه تحقیقات سیاسی اسلام، ۱۳۸۱: ص ۲۴۱). در دوران حکومت صفویه، جز در دوره قدرت شیخ صفی (۷۳۵-۶۵۰ ق) که مردی آزاده و روشن‌ضمیر بود، سایر رؤسا و زمامداران این خاندان مردمی متعصب و جاه طلب و خون‌آشام بودند. شاه اسماعیل اول هم از این امر مستثنا نبود. آنچه سبب به قدرت رسیدن شاه اسماعیل، به عنوان یک رهبر مذهبی و پادشاهی ملی شد، حضور وی به عنوان



مرشدی صوفی و رهبری واجب الاطاعه بود که مدعی جانشینی امام دوازدهم بود (حسینی گنابادی، ۱۳۷۸: ص ۳۸). درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای در اوایل حکومت شاه اسماعیل اول، شدت فراوانی داشت؛ هر چند شاه اسماعیل، به اندرز روحانیان شیعی مذهب وقعی ننهاد، و با آن‌که اکثر مردم تبریز پیرو آیین تسنن بودند، با کشتن بیست هزار تن از پیروان سنت و جماعت، مردم را به قبول آیین تشیع وادار کرد (راوندی، ۱۳۵۴: ج ۳، ص ۴۸۲). علی القاعده انگیزه‌های ملی- مذهبی با پیوندی که با اندیشه‌های مهدویت داشت، با حمایت شاه اسماعیل اول سبب شد روحانیت شیعه از قدرت و قوت بسیاری برخوردار شود. پذیرش مذهب جدید در میان طبقات مختلف اجتماعی با همراهی و اثرگذاری روحانیان مذهب شیعه همراه بود و مردم به مرجعیت و متخصص دینی برای حل و فصل مسائل دینی و مذهبی مراجعه می‌کردند. آنچه در حکومت شاه اسماعیل اول مشهود بود، تاثیر فقه سیاسی بر تاسیس دولت صفوی، روندی است که پس از غیبت آخرین امام معصوم آغاز با فراز و فرود فراوان به نظریه «حاکمیت دوگانه فقیه سلطان» منجر شد؛ چنان‌که حاکمیت سلطان با ترکیب فقیه تسمیه نیافت و به عنوان حداقل شرایط ممکن در آن روزگار مورد تایید فقهای شیعه واقع شد، در زمان حکومت شاه اسماعیل اول و در بدو تاسیس حکومت صفوی، هویت ملی در عناصری چون «مذهب شیعه»، «پیشینه تاریخی مشترک» و «سرزمین ایران» شکل گرفت و تکوین هویت ملی در این دوره با رواج عناصر هویت ملی، آگاهی جمعی اقشار مردم نسبت به عناصر و احساس تعلق به آن‌ها رشد یافت (گودرزی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۶). تاثیر جریان مذهبی بر تاسیس دولت صفوی، روندی است که پس از فراز و فرود فراوان به حاکمیت آنان منجر شد و این، یکی از ابزارهای اصلی قدرتمندی دودمان صفوی محسوب می‌شود. پذیرش مذهب جدید که در نظر اکثر مردم پایتخت در حکم رفض و بدعت بود و به ویژه علمای سنی را خشمگین می‌کرد؛ بدون مقاومت و خون ریزی صورت نپذیرفت. مخالفت و ایستادگی مردم تبریز در برابر خواسته‌های پادشاه جوان بسیار شدید بود. خشونت شگفت انگیز اسماعیل و رفتار وحشیانه‌اش با علمای دین و ناموران تبریز هنگام ورود مجددش به آن شهر، نموداری از مقاومت دلیرانه‌ای است که در غیبت پادشاه جوان تقریباً تمامی آثار کیش جدید را زدوده بود (طاهری، ۱۳۸۴: ص ۱۸۲). در خلال این قضایا، علمای شیعی در دو حوزه دعاوی ملی و سیاست دینی وارد عرصه حکومت



شدند و توانستند در پایدار ماندن شرایط و تثبیت قدرت به نفع شاه اسماعیل آثار انکارناپذیری را ایفا کنند. در دوره صفویه، مقام و موقعیت طبقه روحانیان شیعه به دو امر بستگی داشت: یکی وضع اخلاقی و رفتار عملی روحانیان در جامعه، و عقیده و ایمانی که مردم نسبت به آنان داشتند، که خواه ناخواه در موقعیت آنان در دستگاه دولت و شخص شاه نیز مؤثر می‌افتاد؛ دوم سیاست کلی و عقیده شخصی شاه وقت نسبت به امور مذهبی و پیشوایان دینی در دوره صفویه. سلاطین برای حفظ موقعیت خود، از سنگر دین و پیشوایان آن نیز بهره‌برداری می‌کردند و این سیاست تا پایان قدرت شاه سلطان حسین کمابیش رعایت می‌شد (راوندی، ۱۳۵۴: ج ۳، ص ۴۸۵).

در دوران حکومت شاه اسماعیل اول، زمانی که در آغاز قرن دهم هجری، مذهب رسمی ایران «تشیع» اعلام گشت، ایجاد حرکت ملی همراه با احیای مذهب نوپای شیعه و اندیشه مهدوی یکی از موقعیت‌های مطلوبی بود که روحانیت برای گسترش تشیع با رویکرد فرهنگ ایرانی از آن بهره برد. اندیشه مهدویت در دوران حکومت شاه اسماعیل، مشروعیت بخشی بر وضع موجود بود که طبقه حاکم از دین، برای سیاست خویش پوششی ساخته و آن را مرجع مهمی برای مشروعیت خود قرار دادند و وسیله قلع و قمع مخالفان کردند (کافی، ۱۳۹۰: ص ۱۸۷). همچنین برخی از علمای دینی، از این موقعیت به دست آمده برای گسترش تشیع بهره بردند. از قرن نهم به بعد، دین و مخصوصاً مذهب شیعه برای استحکام حکومت لزوم یافت. ستایش رهبران مذهب شیعه تدریجاً جای مدح امیران را گرفت (آریان پور، ۱۳۵۴: ص ۸۱). گسترش اندیشه مرجعیت ائمه اطهار و ترویج مهدویت، دعوتی ملی برای تبیین و تشویق نگرشی ضد استبدادی و اصول تعالی بخش برای ترویج مناسک ویژه شیعه در حکومت شاه اسماعیل شد؛ گرچه در برخی موارد با اباحه‌گری همراه بود؛ اما شاه اسماعیل با اعلام تشیع در ایران \_ به عنوان مذهب رسمی دولت صفوی \_ به تشویق و ترغیب و عملی سازی سوگواری شیعه پرداخت تا ارزش و کارآمدی دولت خود را ارتقا دهد. صفویه برای مقابله با همسایه خود، عثمانی‌ها احیای آیین‌های شیعی را شروع کرد که این کار، تضاد میان این دو فرقه سنی و شیعه را بیش تر می‌کرد؛ به عنوان نمونه روضه خوانی و تعزیه از این دست اقدامات بوده است (باربارو، ۱۴۰۰: ص ۴۳۷). علاوه بر آن، تحریکاتی در زمینه ظهور منجی مطرح بود که تقریباً تمام منابع

روایی شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف پس از نهضتی به وقوع خواهد پیوست که زمینه ساز ظهور حضرت است. در این نهضت، صاحبان درفش‌های سیاه از ایران، آماده‌کننده مقدمات فرمان‌روایی او هستند (کورانی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۵). ترویج این قبیل روایات و نیز وحدت‌گرایی و اجرای عدالت اجتماعی در پرتو مردم‌سالاری دینی در ایرانیان سبب شد که اندیشه مهدویت و اعتقادات مذهبی و ملی در دوران حکومت شاه اسماعیل اول، همسو شود. مشروعیت با شیعه دوازده امامی است که امام آخر آن از نظرها غایب است و اشاعه این اندیشه که صفویان نایبان به حق این اندیشه می‌توانند باشند و همچنین توسعه، تکامل و سازمان‌دهی و مرجعیت یافتن روحانیت شیعه، با سازکار امروزی به مرور زمان، علاوه بر نفوذ و جایگاه معنوی و اجتماعی شاه اسماعیل اول، افزایش قدرت سیاسی حاکمان صفوی را دربرداشت. شاه اسماعیل اول به دنبال هماهنگی ملی و مذهبی بود تا در سایه آن انسجام سیاسی نیرومندی را محقق کند که بر تمام ایران حکم فرما شود. لذا ترویج اندیشه مهدوی تأکیدی بر هویت شیعی بود که خود به خود هویت ملی را نیز در برابر حکومت‌های سنی مذهبی، همچون عثمانی حفظ و برای نخستین بار منافع جاه‌طلبی قدرت حاکمان صفوی را تأمین می‌کرد.

### ۳. زمینه‌سازی منجی‌گرایی شیعی در دوران شاه اسماعیل اول

آنچه در باب نظریه شیعه و سنی راجع به حکومت گفته شده، این است که معمولاً سنیان تسلط حرمت قلبی را به عنوان اطاعت عموم پذیرفته‌اند؛ حال آن‌که شیعه با اعتقاد انحصار حکومت به امام معصوم و منصوب همواره موضع معارضا را حفظ کرده است. به گفته باقلانی، امامت یا به نص است، یا به انتخاب و پس از ابطال شق اول می‌گوید: انتخاب باید با نظر اهل حل و عقد انجام گیرد و در مورد تعداد، لازم نیست همه صاحب نظران مسلمان را شامل باشد و همین که چند نفر - مثلاً - سه نفر و حتی یک نفر، شخص واجد شرایطی را تعیین کردند، آن شخص امام واجب‌الاطاعه مسلمین است (متز، ۱۳۶۴: ص ۹۴). حوادث مختلف سیاسی، اجتماعی که در طول تاریخ اسلام و در عصر خلافت امویان و عباسیان رخ داد، موجب شد که اولاً، برخی از روایت‌های نقل شده از معصومان با دقت و صراحت کافی منتقل نشود و ثانیاً، گروه‌ها و اقشار مختلف، از جمله دستگاه خلافت و صاحبان قدرت و منصب، گروه‌های معارض و داعیه‌داران خلافت و حکومت،



مخالفان شیعه، افراد متأثر از آموزه‌های یهودی و... با اغراض و انگیزه‌های مختلف به جعل، تحریف و تدلیس در این مجموعه روایات، به ویژه روایات نقل شده از طریق اهل سنت دست بزنند تا بتوانند این روایات را بر خود منطبق کنند، یا به وسیله آن‌ها با جریان و خط اصیل امامت مقابله کنند و یا با ارائه چهره‌ای مخدوش، خونریز و خشونت طلب از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردم را از انتظار آن حضرت بر حذر دارند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ص ۳۷۴). این روند ادامه داشت تا آن‌که در در دوران حکومت شاه اسماعیل اول دچار تحول عظیمی شد. وی به عنوان حاکمی که به نیابت از امام غایب قدرت را در دست دارد؛ روی کار آمد.

یکی از مباحث مهم در جامعه اسلامی، آن است که حاکم تابع شریعت است؛ اما عالمان دینی در عصرهای مختلف تاریخی، از نظر سیاسی و اقتصادی تابع حاکمان سیاسی بوده‌اند و اعتمادشان بر قدرت سیاسی حاکم تفسیرشان را از شریعت محدود کرده است (کافی، ۱۳۹۰: ص ۱۸۹). حضور و معرفی شاه اسماعیل به عنوان حاکم شرع توسط علمای شیعه، تدوام این راهبرد بود. علاوه بر آن‌که در دوره‌های مختلف سیاست‌های حاکم جذابیت و گیرایی خاصی در موضوع منجی گرایی و مباحث مربوط به آینده آخرالزمان را موجب شده است. لذا در طول تاریخ خرافات و اندیشه‌های موهوم بسیاری حول این باور و اعتقاد اصیل شکل گرفته و به دلیل گرایش شدید مردم به فرهنگ مهدوی کسانی با انگیزه‌های خیرخواهانه و گاهی سودجویانه به ترویج خرافات و اندیشه‌های موهوم در میان مردم پرداخته‌اند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ص ۳۷۴). این پیامد در طول تاریخ با توجه به اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی دارای شدت و ضعف بوده است. بنیان گزاران حکومت صفوی ادعاهای مربوط به امام منجی را با نیابت شروع کردند و تفسیر و خوانش‌های متفاوتی را در این زمینه همراه با اغراق و تفسیر خاص از مذهب تشیع ارائه کردند که ماهیت فکری، اجتماعی دوران حکومت صفوی را تشکیل داد. همچنین بهره برداری از انرژی موجود در موضوع چگونگی باور به مهدویت به منظور بهره برداری و تامین منافع‌شان مورد توجه فراوانی قرار گرفت تا جایی که پرداختن به ریشه‌های شکل‌گیری حکومت صفوی و نیز بنیان‌های فکری و عقیدتی شان در آن دوره و خصوصاً دوره حکومت شاه اسماعیل اول از جنبه‌های اثرگذاری و تحلیل ادامه حیات فکری شان در ایران تا امروز بسیار مهم است. در فراگیری باورهای شیعی با منش غالبانه و صوفیانه، امید و باور به

ظهور مهدی، برخورداری از پایگاه توده‌ای، رهبری از سوی شیوخ و مرشدان و بهره مندی از سیادت واقعی یا خیالی در ساختار حکومتی مشروعیت یافت (عقیلی، ۱۳۸۴: ص ۶۲۸). در آغاز کار شاه اسماعیل در قلمرو ایران، پادشاهان و مدعیان بزرگ سلطنت به سیزده تن می‌رسید. ملوک الطوائفی ایران در این سال‌ها در اختیار سه گروه متمایز بود:

۱. سلاله‌هایی از بزرگان فئودال محلی ایران؛

۲. سلاله‌هایی که اعضای آن از سران قبایل چادرنشین و بیش‌تر ترک بودند و در مناطق غربی از کردها نیز بودند؛

۳. سادات که به یاری نهضت‌های خلقی در قرن‌های چهاردهم و پانزدهم بر سر کار آمده بودند. در این وضعیت بود که خاندان صفوی اولین فعالیت خود را برای به دست گرفتن حکومت و تغییر مذهب ایران آغاز کرد و توانست به آن موقعیت برسد (صفاکیش، ۱۳۹۰: ص ۳۸)؛ چنان‌که روند تغییر مذهب در قرن نهم هجری در نواحی غربی گیلان تا اردبیل تحت نفوذ خانقاه اردبیل قرار داشت (خضری و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ص ۱۵۶) و از این مناطق آغاز شد. علاوه بر آن که تحول و دگرگونی اسلام از یک دین، رهاورد فکری از افراد، اجتماعات و فرهنگ‌های مناطقی که در جهان اسلام پدید آوردند، اندیشه مهدویت را غنی ساخت و این امر باعث شد چگونگی گردش و گسترش آن و فلسفه اسلامی را بازگو و سنت‌های عقلانی را در دین تشریح کند. در هر حال، ترویج و زمینه‌سازی نشر اندیشه منجی‌گرایی در دوران شاه اسماعیل اول باعث تعمیق بسیاری از زوایای اندیشه سیاسی شیعه در بستری شد که از قرن‌ها قبل فراهم شده بود؛ علاوه بر آن که باور به اندیشه مهدویت، عنصر اصلی فکر شیعه است که باعث پویایی آن شد (کربن، ۱۳۸۲: ص ۱۲). شاه اسماعیل اول، با توجه به این اوضاع و احوال و با دعوت از علمای لبنان، سوریه و عراق و حضور علمای شیعه و ارائه دیدگاه‌های فقهی جدید فصل جدیدی را در تاریخ ایران آغاز و نگرش جدید منجی‌گرایی با تثبیت حاکمیت خود ایجاد کرد. علمای بزرگ آن عصر، از یک سو به حوزه علمیه شیعه، شکوفایی و درخشانی خاصی دادند؛ به طوری که یکی از دوره‌های برجسته تاریخ علوم در اسلام شد و شخصیت‌های کم‌نظیر و بی‌نظیر بسیاری را پرورش داد (موسوی، بی‌تا: ص ۹۱)؛ اگر چه اهداف جریان منجی‌گرایی در دوران شاه اسماعیل اول از این معنا فراتر بود که رشد اجتماعی مذهبی و ملی پایدار سازد. در



طول حکومت دویست و سی ساله صفوی، با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های کسانی که با طرح ادعای مهدویت درباره برخی از امامان تلاش کردند مسیر تشیع امامی را تغییر دهند و با توجه به منابع شیعی، سنی و تحلیل حوادث و شخصیت‌های مختلف و موثر، تحلیلی از دوران خلافت شاه اسماعیل اول ارائه شده است؛ آن‌جا که دولت صفویه پایه‌های حکومتش را بر مذهب شیعه بنیان نهاده بود، موقعیت‌های وابسته به تشیع، به عنوان یکی از ارکان اصلی مشروعیت صفوی دارای قدرت و منزلتی بالاتر از دیگر موقعیت‌ها شد. بنابراین، سادات و روحانیان شیعه دو گروه منتسب به مذهب تشیع به منزلت و قدرتی بالاتر از سایر گروه‌ها دست یافتند. رویکردهای سیاسی و اجتماعی مذهب شیعه و از نظر تاریخی موقعیت ممتاز روحانیان شیعه به عنوان یکی از نیروهای اصلی سیاسی سبب شد با ظهور دولت شیعه مذهب صفوی، بخشی از روحانیان شیعه جذب دربار صفوی شود (زارعیان، ۱۳۹۱: ص ۸۹). تلاش بی وقفه علما و شاه اسماعیل و والیان حکومتی و سازمان‌های تاسیسی، مذهب شیعه به سرعت مراحل رشد و استقرار را سپری کرد و به عنوان مذهب مستقر در ایران جای گرفت، مهم‌ترین ویژگی این نهاد به عنوان مذهب رسمی کشور، در عناصری چون برخورداری از یک مکتب اعتقادی و فقهی، اقتدار معنوی و تبعیت مردم از علمای دینی و وجود مقام نیابت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور عام گسترش یافت (گودرزی، ۱۳۸۷: ص ۲۴۴). در این دوره، هر اقدام هرچند کوچکی در جهت ترویج مهدویت در پیروی از سیاست کلی مذهبی صفویان در گسترش مذهب تشیع اثناعشری جامعه به شمار می‌آمد (سمرقندی، ۱۳۷۲: ص ۸). شاه اسماعیل اول، منجی منصوب از جانب امام عصر برای محافظت از دین و دنیای مردم بود. لذا کارکرد باور اندیشه مهدویت نقش مهم و تأثیر گذاری میان امید و تداوم حرکت و پویایی جامعه داشت. حکومت شاه اسماعیل اول به عنوان یک حکومت شیعی با رویکرد منجی‌گرایی به پشتوانه‌ای نیرومند نیاز داشت. حاکمان صفوی دست به دست علما دادند و تمام تلاش و کوشش آن‌ها این بود که چگونه حکومت صفوی را تثبیت کنند. آن‌ها اعتقادات دینی، مذهبی و اندیشه‌های شیعی مانند مهدویت، منجی‌گرایی را در جامعه نشر دادند. در این دوره، بعضی از اندیشه‌های شیعی، مانند عاشورا و مهدویت رونق خاصی گرفت. محدثان و علمای اخباری بیش‌تر کوشیدند احادیث مربوط به امام مهدی را گرد آورند. متکلمان نیز کوشیدند برای اثبات اصل مهدویت، استدلال‌های عقلی بیاورند که این دو در کنار یکدیگر موجب تقویت جایگاه

مهدویت در جامعه اسلامی شد (عابدی، ۱۳۹۹: ص ۸۳). همچنین تحولات فکری صوفیانه در این حوزه تلاشی بود برای تبیین چگونگی شکل‌گیری معانی و دیدگاه‌ها در عرصه اجتماعی که مورد توجه آگاهانه قرار گرفت. شاخصه‌های اصلی این تفکر برای دستیابی به حقایق ثابت با ساختار تفکر اسلامی در اندیشه مهدویت نمود پیدا کرد. براساس اعتقادات آن‌ها، اطاعت از پیشوای صفوی در مقام مرشد لازم بود. باور به عصمت آن‌ها تا حد اعتقاد به منجی بودن پیش رفت (صفاکش، ۱۳۹۰: ص ۳۹۵). شیوخ و خلفای بکتاشیه این عقیده را ابراز داشتند که نخستین روح مدبر هستی، خدا در حضرت محمد ﷺ و بعد در حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام حلول کرده و سپس به امامان شیعه منتقل شده است. آن‌گاه از ائمه به شیوخ صفوی رسید و پس از شیخ حیدر، در شاه اسماعیل حلول یافته است. از این رو، شاه اسماعیل هم برای آن‌ها خدا بود هم پیامبر و هم امام و هم شیخ طریقت و دارای معجزات و کرامات؛ یعنی شاه اسماعیل، ولایت مطلقه داشت و به جای خدا بر آن‌ها حکم می‌راند. آن‌ها براساس این عقیده، شاه اسماعیل را می‌پرستیدند (خنجی، بی‌تا: ص ۱۹۲). یکی از ویژگی‌های مهم مهدویت اندیشه منجی باوری در این دوره آموزه‌ای اعتقادی بود که از انشعابات مذاهب و فرقه‌های مختلف نشأت گرفته و در اصل لزوم و وجود نیابت در عصر غیبت فقیهان در دو زمینه مرجعیت دینی و صلاحیت قضایی مخالفتی واقع نشد. نیابت در عصر غیبت ولایت و زعامت سیاسی را نیز شامل می‌شود (جوان آراسته، ۱۳۸۶: ص ۱۳۴). در این عصر با نتایج تجربیات و عوامل سیاسی و اقتصادی و اخلاقی آمیخته و تمام عوامل اجتماعی را در بر داشت؛ به نحوی که آثار این اندیشه تا قرن‌های بعد از شاخصه‌های مهم اندیشه مهدوی بود.

رویدادهای زمان شاه اسماعیل اول، ارائه تصویری از اخلاقیات، اندیشه‌ها و شیوه حکومت وی، نقش و چگونگی حضور تشیع و نحوه رویارویی و ارتباط مردم با طبقه روحانی شیعه، زمینه پیدایش و ویژگی‌های سرکوب حرکت‌های اقوام غیر ایرانی و ایرانی مخالف، علل، انگیزه‌ها و آثار سیاسی از عناصر مؤثر بر سیر اعتقاد به منجی در اندیشه مهدوی است. هرچه این تاثیرات، بیانگر حقایق و هدایت توسط حاکم مردم باشد، دلیل توسعه و رشد جامعه در رابطه با شریعت و قدرت سیاسی آن حکومت است که به عنوان مظهر و جلوه و نایب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّلَامِ حکومت می‌کردند. در این دوره، مردم درک جدیدی از «شرع» پیدا کردند که عبارت بود از شان منجی‌گرایی که به حاکم صاحب قدرت متعلق بود.



## نتیجه‌گیری

انگیزه‌هایی چون «اعتقاد به اندیشه مهدوی» و باور به «ظهور منجی در اسلام»، یکی از قوی‌ترین عواملی است که ثبات اعتقادی حکومت را تضمین می‌کند. چنانچه این باور در رفتارهای زندگی فردی و اجتماعی نفوذ کند، خود عاملی برای هویت بخشی ملی است. سیر اندیشه مهدوی در گذر زمان، به شکل‌های مختلف عرضه شده است. در زمان حکومت شاه اسماعیل اول، در برخی از اصول این قضیه دست برده شد و جنبه‌های مختلف آن مورد تحریف قرار گرفت. با مرور حوادثی که در فاصله حکومت تیموریان تا شکل‌گیری صفویه در سال ۹۰۶ هجری در زمان شاه اسماعیل اول رخ داد، می‌توان ادعا کرد گرچه تشیع به عنوان حرکت گروه اقلیت در جریان بود؛ بسیار فعال در نهضت‌های مذهبی و اجتماعی ظهور پیدا کرد و اکثر مردم، به آن اعتقاد و باور قلبی داشتند.

اقدامات شاه اسماعیل بر ترویج اندیشه مهدوی و انتظار و قریب الوقوع بودن ظهور مؤثر بود. وی خود را در بین مردم جنین معرفی کرد که از طرف امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف برای این امر انتخاب شده است. همین امر باعث تعمیق و اعتقاد عموم به نیابت وی از جانب امام غایب شد. البته در این دوره، وصول به وضعیت مطلوب از نظر وجوه مختلف اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی باور اندیشه مهدوی و ارائه دیدگاهی متعادل و دور از افراط و تفریط در عوام زدگی و سطحی‌نگری، باورهای نادرست، احیا و اقامه عدل در میان مردم و اعتقاد پیوند نظری و عمومی مردم با حضور علمای شیعه در دستگاه حکومت مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از شئون جامعه را در بر گرفت و تحولات گسترده‌ای در سیر اندیشه مهدویت و تاثیر آن بر جریان ملی مذهبی شیعه در جهت ترویج تفکر منجی‌گرایی پدیدار شد. از بسیاری جنبه‌ها در تحلیل مسائل ساختار مفهوم حکومت ملی با خط مشی نقش کارکردی و معرفت بخشی مهدویت، به عنوان مرکز ثقل پایه‌های قدرت شاه اسماعیل اول محسوب می‌شد؛ که این، حکومتی با منشا حاکمیت و مشروعیت مذهبی و ملی را تثبیت و هویت جدیدی را با بهره‌گیری از منابع اصولی و ارزشی انعطاف پذیر شیعی فراهم کرد. یکی از تمایزات اصلی این پژوهش، ویژگی‌های دست‌یافته در رویکرد مناسب در جهت گذاری سیاسی به سوی نوعی الگوسازی تاریخی در آینده ایران بود که اقشار مختلف جامعه ایران در دوره شاه اسماعیل اول اعم از حاکمان، علما و





توده‌های مردم نسبت با مهدویت پیدا کردند که خود عامل مهمی در تغییر مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور شد. به نظر می‌رسد بررسی آثار سیر این اندیشه با توجه به ضرورت‌ها و آسیب‌ها تا پایان دوره صفوی و بعد از آن می‌بایست مورد تحقیق قرار گیرد.



## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۷۷ق). *تحف العقول عن آل الرسول*، مترجم: علی اکبر غفاری، تهران، الاسلامیه.
۲. اسمیت، دنیس (۱۳۸۶). *برآمدن جامعه تاریخی*، مترجم: هاشم آقاجری، تهران، مروارید.
۳. آریان پور، امیرحسین (۱۳۵۴). *اجمالی از جامعه شناسی هنر*، تهران، به سوی آینده.
۴. انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن.
۵. بی نام (۱۳۶۳). *عالم آرای صفوی*، مصحح: یدالله شاکری، تهران، اطلاعات.
۶. باربارو، جوزافا (۱۴۰۰). *سفرنامه های ونیزیان در ایران*، مترجم: منوچهر امیری، تهران، خوارزمی.
۷. پیرزاده، ابدال و زاهدی، حسین (۱۳۹۵). *سلسله النسب صفویه*، مصحح: حسین نصیر باغبان، تهران، ارمغان.
۸. ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۶۴). *عالم آرای صفوی*، تهران، اطلاعات.
۹. تونه ای، مجتبی (۱۳۸۵). *موعود نامه*، قم، میراث ماندگار.
۱۰. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۶). *مبانی حکومت اسلامی*، قم، بوستان کتاب.
۱۱. حسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹). *تاریخ ایلیچی نظام شاه*، مصحح: محمد رضا نصیری و کوئیچی هانه دا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۲. حسینی گنابادی، محمدقاسم (۱۳۷۸). *شاه اسماعیل نامه*، مصحح: جعفر شجاع کیهانی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۳. خنجی، امیرحسین (بی تا). *تاریخ شاه اسماعیل اول*، تهران، موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
۱۴. خلیلی، نسیم (۱۳۹۲). *گفتمان نجات بخشی در ایران عصر صفوی*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. خضری، سید احمدرضا و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳). *تاریخ تشیع*، قم، حوزه و دانشگاه.
۱۶. راوندی، مرتضی (۱۳۵۴). *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، امیرکبیر.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۳). *ارزش میراث صوفیه*، تهران، امیرکبیر.

۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *دنباله جست‌وجو در تصوف ایران*، تهران، امیر کبیر.
۱۹. زارعیان، مریم (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). «*مناسبات روحانیان با دولت در عصر صفوی*»، تهران، مجله علمی پژوهشی جامعه‌شناسی تاریخی، شماره ۲.
۲۰. سازگارا، پروین (۱۳۸۸). *جامعه در آینه گسل‌های اجتماعی یا ارزش‌ها و هنجارها*، تهران، رز.
۲۱. سبحانی، جعفر (۱۳۸۹). *عقاید امامیه*، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
۲۲. سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق (۱۳۷۲). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۳. شفیع‌ی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۷). *معرفت امام عصر و تکلیف منتظران*، تهران، موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *عرب در آخر الزمان*، تهران، هلال.
۲۵. صفاکیش، حمید رضا (۱۳۹۰). *صفویان در گذرگاه تاریخ*، تهران، سخن.
۲۶. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران*، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۷. عابدی، زهرا (پاییز و زمستان ۱۳۹۹). «*بازشناسی اندیشه مهدویت در عصر صفویه*»، تبریز، مجله تاریخ نامه اسلام، شماره ۴.
۲۸. عبدی بیگ شیرازی، زین العابدین علی (۱۳۶۹). *تکلمه الاخبار*، مصحح: عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی.
۲۹. عبادی، مهدی (۱۳۹۴). *تاریخ تشیع در آذربایجان از ایلخانان تا رسمیت یافتن شیعه در ایران*، تهران، منشور سمیر.
۳۰. عقیلی، نورالله (۱۳۸۴). *ایران زمین در گستره تاریخ صفویه*، تبریز، ستوده.
۳۱. قمی، احمد (۱۳۵۹). *خلاصه التواریخ*، مصحح: احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
۳۲. کارگر، رحیم (۱۳۹۰). *مهدویت پیش از ظهور*، قم، معارف.
۳۳. کافی، مجید (۱۳۹۰). *دین و علوم اجتماعی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۴. کورانی، علی (۱۳۸۸). *عصر ظهور*، مترجم: مهدی حقی، قم، نشر بین الملل.
۳۵. کرین، هانری (۱۳۸۲). *شیعه*، مترجم: هادی خسروشاهی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه.

۳۶. گودرزی، حسین (۱۳۸۷). *هویت ملی در ایران با تاکید بر دوره صفویه*، تهران، تمدن ایران.
۳۷. گروه تحقیقات سیاسی اسلام (۱۳۸۱). *مؤلفه‌های هویت ملی در ایران*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۸. منتز، آدام (۱۳۶۴). *تمدن اسلامی در قرن چهارم*، مترجم: علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر.
۳۹. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶). *رجعت*، تهران، طرح نو.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). *حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف*، قم، نسل جوان.
۴۱. موسوی، سید محمد (بی تا). *کنایه المهدی فی معرفه المهدی*، قم، دارالتفسیر.